فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره 1 ، پاییز 1391 ، پیاپی 1
صفحات 126-113

بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک

عبدالحمید پاپ‌زن*، دانشیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه
نعمت‌اله شیری، دانشجوی دکتری گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

دریافت مقاله: 1391/7/18 پذیرش نهایی: 1391/8/27

چکیده
امروزه سیستم‌های تولیدی کشاورزی به‌منظور پاسخ‌گویی به نیاز روزافزون غذا برای جمعیت رو به رشد کره زمین با کاربرد فناوری‌های نوین، تولیدات خود را به صورت کمی افزایش داده‌اند، اما همواره این افزایش تولید با مشکلات زیست‌محیطی متعددی روبه‌رو شده است. در راستای حل این مشکلات، کشاورزی ارگانیک به عنوان یکی از نظام‌های کشاورزی پایدار مطرح گردید، اما با وجود مزایای فراوان، توسعه این نظام کشاورزی در بین کشاورزان با موانع و مشکلات فراوانی مواجه است. در این راستا، پژوهش حاضر به روش کیفی و با هدف کلی بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه در قالب گروه بحث متمرکز با 24 نفر از کشاورزان ارگانیک‌کار شهرستان دره‌شهر (استان ایلام) بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از بحث و مصاحبه در گروه‌های مورد مطالعه با استفاده از فنون خاص روش تحقیق کیفی و از طریق دسته‌بندی، طبقه‌بندی و رسیدن به مفاهیم کلی و مشخص انجام پذیرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که از دیدگاه کشاورزان مورد مطالعه موانع و مشکلاتی مانند: مسائل زیرساختی، مسائل اقتصادی، ضعف دانش و آگاهی کشاورزان، مسائل فنی و مدیریتی، مسائل حمایتی و موانع انگیزشی و نگرشی در راه توسعه کشاورزی ارگانیک وجود دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند در بهبود و تسریع توسعه کشاورزی ارگانیک به‌منظور تولید محصولات سالم در بخش کشاورزی به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بخش مذکور کمک نماید.
کلمات کلیدی: کشاورزی پایدار، کشاورزی ارگانیک، موانع و مشکلات، گروه بحث متمرکز.

*نویسنده مسئول: E-mail: papzanabdolhamid89@gmail.com09181323787

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

1) مقدمه

امروزه بخش کشاورزی به‌منظور پاسخ‌گویی به نیاز روزافزون غذا برای جمعیت رو به رشد کره زمین و فراهم کردن مواد غذایی کافی و مناسب، به میزان زیادی وابسته به مصرف مواد شیمیایی می‌باشد (هاتیرلی و همکاران، 2005). به گونه‌ای که با توسعه و گسترش علوم و فناوری‌های نوین همچون؛ مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، کاشت ارقام پرمحصول گونه‌های زراعی و باغی و استفاده بی‌رویه از کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی باعث افزایش کمی تولیدات کشاورزی گردید و مشکل غذا را در بسیاری از کشورها بالاخص کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه حل نمود، اما همواره این افزایش تولید با مشکلات زیست محیطی متعددی مانند آلودگی منابع آب و خاک، بروز آفات و بیماری‌های جدید گیاهی، سوء تغذیه و بیماری در اثر کاهش کیفیت مواد غذایی روبرو شده است (کیانی و لیاقتی، 1386). مجموعه این عوامل سبب گردید تا حفظ محیط زیست و امنیت و بهداشت غذایی به یکی از چالش‌های بشر در عصر حاضر تبدیل شود و جوامع بین‌المللی در پی یافتن راهبردهای مناسبی برای حل این معضلات و دستیابی به نظام‌های کشاورزی پایدار باشند. یکی از این راهبردها کشاورزی ارگانیک است که هدف آن ضمن حفاظت از حاصل‌خیزی خاک، افزایش تولید محصول با کم‌ترین تکیه بر استفاده از مواد شیمیایی می‌باشد (مافی، 1387). در این نظام کشاورزی، از نهاده‌های سنتز شده مانند کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها، داروهای دامپزشکی، گیاهان اصلاح شده ژنتیکی، مواد نگهدارنده، مواد افزودنی و تابش اشعه استفاده نمی‌شود. در واقع کشاورزی ارگانیک، یک نظام تولید کشاورزی یکپارچه، نظام‌یافته و انسانی است که با بهره‌گیری از منابع موجود در مزرعه، باعث تقویت و توسعه سلامت اکوسیستم‌های زیستی، فعالیت بیولوژیک خاک و چرخه‌های زیستی می‌شود (چقماقی یزدی و مرادی عهدیه، 1386؛ محمدی، 1386). بهبیاندیگر،کشاورزیارگانیکنگرشیعلمیونوینبهکشاورزیسنتیاستکه اجدادمابهآنعملمی‌نمودند (عبداللهی،1387). به نقل از اداره کشاورزی ایالات متحده آمریکا؛ کشاورزی ارگانیک یک سیستم تولید است که از مصرف کودهای معدنی مصنوعی، مواد شیمیایی، تنظیم‌کننده‌های رشد و افزودنی‌های خوراک دام اجتناب می‌ورزد و از روش‌هایی مانند؛ تناوب زراعی، استفاده از بقایای گیاهی و کودهای دامی، تناوب با بقولات، پسمانده‌های آلی و کنترل بیولوژیک برای حذف تعادل استفاده می‌کند. هدف اصلی این روش ایجاد نظام تولیدی است که بین خاک، گیاه و انسان یک تعادل مناسب و سازنده ایجاد نماید و نظام تولید با همه اجزای آن به عنوان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

"کل واحد" و "نظام‌یافته" تلقی می‌شود و تضادی بین منافع اقتصادی، انسانی و زیست محیطی به وجود نمی‌آید (اسدی و نادری مهدیی، 1388). به طور کلی اهداف اصلی نظام‌های تولید ارگانیک بهینه‌سازی تولید، افزایش کیفیت محیط زیست و رفاه جامعه است (کوچکی و همکاران، 1384).

آنچه که امروز تحت عنوان کشاورزی ارگانیک به عنوان زمینه‌ای نو در کشاورزی مطرح شده، سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و از بدو شروع فعالیت‌های کشاورزی، همیشه همگام و همراه انسان بوده است. کشاورزی تلفیقی، غیرمتمرکز و عاری از مواد شیمیایی توسط نورث برون در سال 1940 مطرح شد. وی اولین کسی بود که لفظ کشاورزی ارگانیک را به کار برد و این نوع کشاورزی را به عرصه علم معرفی نمود (میردامادی و خادمی، 1382). به طور کلی پس از دهه 1960 تحقیقات و فعالیت‌های عملیاتی کشاورزی ارگانیک در سراسر جهان گسترش یافت. گسترش کشاورزی ارگانیک به ویژه پس از تشدید حساسیت‌ها نسبت به موضوعات زیست محیطی کشاورزی، رشد فزاینده‌ای یافت. این دوره مصادف است با ظهور و گسترش تعمیق اندیشه‌های جدید در رابطه با تحولات اجتماعی، جنبش‌های اعتراضی و طرح روش‌های جدید در زیست سپهر جهانی بود. این اندیشه نوین شامل بهره‌برداری خردمندانه‌تر از منابع طبیعی، حفظ محیط زیست، رویکرد کشاورزی کم نهاده با کارآیی بالا، امنیت غذایی، بازگشت به زمین و حفظ و توسعه پایدار کشاورزی از طریق نظام‌هایی چون نظام‌های ارگانیک، ارگانیک-بیولوژیک، بیودینامیک و طبیعی همراه با مطالعات گسترده نظری و عملی در رابطه با آنها بود (سیمینگ، 2006).

امروزه کشاورزی ارگانیک به سرعت در حال رشد و گسترش می‌باشد و بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای اروپایی، توسعه کشاورزی ارگانیک را (تا حدود 20 درصد محصولات کشاورزی) در برنامه‌های اجرایی خود قرار داده‌اند و در آینده‌ای نه چندان دور مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشخصه حضور در بازارهای جهانی به ویژه برای محصولات باغی، عرضه محصولات عاری از ترکیبات شیمیایی و ارگانیک خواهد بود (شعبانعلی فمی و همکاران، 1387). در این زمینه ایران از پتانسیل بالایی در تولید محصولات ارگانیک برخوردار است و باید از این پتانسیل به عنوان یک امتیاز در تولید محصولات ارگانیک استفاده شود. در کشور ما با توجه به شرایط خشک محیطی و فراوانی نیروی کار، تولید محصولات ارگانیک اقتصادی‌تر و آسان‌تر از بسیاری از مناطق جهان به نظر می‌رسد (نصراصفهانی و میرفندرسکی، 1384). اما با وجود مزایای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

فراوان، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که توسعه کشاورزی ارگانیک در جهان و همچنین، ایران با موانع و مشکلات بسیاری مواجه است، که در ادامه به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌شودتاباتحلیل نتایجوروش‌شناسی‌هایبهکارگرفتهشدهچارچوب مفهومیپژوهشسازماندهیشود.

خالدی و امجدی (1390)، در مطالعه خود نشان دادند که برخلاف اغلب روش‌ها و فناوری‌های نوین، عوامل اقتصادی به تنهایی نقش اساسی در فرآیند پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک ندارد. بلکه برای توسعه کشاورزی ارگانیک لازم است نقش سایر عوامل مانند: آگاهی و اطلاعات، گرایش و تمایلات فردی و مهارت‌های فنی، تکنولوژیکی و مدیریتی، مسایل اجتماعی، عوامل نهادی مانند: قوانین و مقررات، بازارها و حمایت‌های دولتی مورد توجه جدی دولت‌ها و سیاست‌گزاران قرار گیرید. مردای و همکاران (1390)، در مطالعه خود عواملی از جمله؛ عدم آگاهی کشاورزان، عدم حمایت‌های دولت و تضمین بازار برای محصولات ارگانیک با قیمت مناسب را به عنوان موانع کشاورزی ارگانیک شناسایی کردند. هاشمی‌نژاد و رضوانفر (1389)، نشان دادند که در توسعه کشاورزی ارگانیک موانع و مشکلاتی همچون؛ نبود بازار مناسب، نبود نهاده‌ها و ارگان‌های حمایتی و کمک‌کننده، نبود استانداردهای مشخص برای تولید این نوع محصولات وجود دارد. شریفی و همکاران (1388)، در مطالعه خود موانع عمده پذیرش کشاورزی ارگانیک را شامل؛ موانع تولیدی، طبیعی، نگرشی و دانشی، زیرساختی، نهادی و موانع اقتصادی معرفی نمودند. خالدی و همکاران (2007)، نیز نشان دادند که کشاورزان سنتی اطلاعات کمی درباره مناطق قابل کشت محصولات ارگانیک دارند و موسسات مرتبط با کشاورزی ارگانیک در ایجاد اطلاعات برای کشاورزی ارگانیک خیلی مفید می‌باشند. همچنین، در مطالعه خود نشان دادند که نبود دانش و مهارت در مدیریت کردن مزرعه ارگانیک، کمبود فرصت‌های بازار برای محصولات ارگانیک و نبود اعتقاد و نگرش مثبت به کشاورزی ارگانیک از موانع کشاورزی ارگانیک می‌باشند. سالازر (2005)، در بررسی موانع توسعه کشاورزی ارگانیک در بین کشاورزان فلیپین نشان داد زمانی کشاورزان با درآمد کم با موفقیت به سمت کشاورزی ارگانیک هدایت می‌شوند که اطلاعات کافی در آن زمینه داشته باشند و آموزش‌های کافی در این زمینه ببیند و همچنین، به بازار و نهاده‌ها اطمینان داشته باشند. استرت و همکاران (2005)، در مطالعه خودشان موانع متعددی را برای تغییر به تولید ارگانیک در بین کشاورزان ویرجینا[1] گزارش دادند که از آن جمله می‌توان به مواردی همچون؛ عدم اطمینان به فرآیند

[1]- Virginia

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ارگانیک، کمبود اطلاعات بازاریابی و اطلاعات راجع به قیمت و بودجه، مشکلات تولید و کمبود اطلاعات راجع به تولید ارگانیک اشاره کرد. وایـنن (2004)، در یک مطالعه موردی بر روی تغییر به ارگانیک در کشاورزان غلات‌کار نشان داد که اطلاعات درباره کشاورزی ارگانیک مهم است. والتز (1999)، نشان داد که بیش‌ترین مانع برای گذر به کشاورزی ارگانیک کمبود اطلاعات و تجربه درباره تولیدات ارگانیک و عدم توانایی در شناخت بازارها است. هنینگ و همکاران (1991)، چالش‌های فعلی کشاورزی ارگانیگ را هماهنگ‌سازی هرچه بیش‌تر استانداردها ضمن رعایت محدودیت‌ها و ملاحظات منطقه‌ای و کاهش هزینه‌های مراحل چندگانه گواهی و اعتباردهی و تنگنای ورود به بازار این محصولات گزارش کردند. فایرویدر (1999)، میدمور (2001) و دی‌باک و همکاران (2001)، در مطالعات خود نشان دادند که دانش کم کشاورزان، انگیزه و علاقه محدود آن‌ها به کسب اطلاعات بیش‌تر در مورد کشاورزی ارگانیک از مشکلات عمده توسعه کشاورزی ارگانیک می‌باشد.

با توجه به مطالب ارائه شده و ادبیات موضوع می‌توان به این نتیجه رسید که با وجود مزایای فراوان نظام کشاورزی ارگانیک، نظام مذکور و به تبع آن توسعه و بسط آن با موانع و مشکلات متعددی مواجه است. بر این اساس، تحقیق حاضر با هدف بررسی موانع و مشکلات توسعه نظام کشاورزی ارگانیک از دیدگاه ارگانیک‌کاران شهرستان دره‌شهر در استان ایلام طراحی گردید.

2) روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کیفی و از لحاظ هدف کاربردی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه در قالب گروه‌های بحث متمرکز[1] بود. در این روش از افراد خواسته می‌شود که گرد هم بیایند و پیرامون موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک با هم بحث نمایند و محقق به عنوان تسهیل‌گر عنوان را به اعضاء گروه‌ها معرفی، سوال‌های ویژه‌ای مطرح، بحث را هدایت نموده و موضوع‌های خارج از بحث را کنترل و مکالمات جدایی طلب را متوقف می‌نماید (Dawson,2002; Finch and Lewis,2003). منطقه مورد مطالعه در این پژوهش روستاهای دهستان چمکلان واقع در شمال شهرستان دره‌شهر از توابع استان ایلام بود. نمونه تحقیق شامل؛ 24 نفر از کشاورزان ارگانیک‌کار روستاهای دهستان چمکلان شهرستان دره‌شهر بودند که در قالب 8 گروه به بحث و مصاحبه با آن‌ها پرداخته شد.

---

[1]- Focus Group Discussion (FGD)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

وجود گروه‌های متعدد (8 گروه) با رویکردهای مختلف، تلاشی در جهت کسب اطلاعات متنوع، نوین و مفید و به تبع آن نتیجه‌گیری بهتر بوده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از بحث و مصاحبه در گروه‌های مورد مطالعه با استفاده از فنون خاص روش تحقیق کیفی و از طریق دسته‌بندی، طبقه‌بندی و رسیدن به مفاهیم کلی و مشخص انجام پذیرفت.

3) یافته‌های پژوهش

پس از برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز در قالب 8 گروه که دو گروه 3 نفره، سه گروه 4 نفره و یک گروه 6 نفره بودند، در مورد موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک نتایجی به دست آمد. نتایج این نظرسنجی نشان داد که تمامی کشاورزان ارگانیک‌کار مورد مطالعه ساکن روستا بودند. شغل اصلی بیش‌تر آنها کشاورزی بود و تعداد خیلی کمی از آنها در کنار کشاورزی در سایر مشاغل، مشغول به فعالیت بودند. درآمد سالیانه بیش‌تر آن‌ها 6- 5 میلیون تومان بود و آنان وضعیت خود را از لحاظ اقتصادی در حد متوسط و ضعیف می‌دانستند. طیف سنی کشاورزان مورد مطالعه بین 47- 24 سال بود که بیش‌تر آنها (15 نفر) کمتر از 35 سال سن داشتند. همچنین، نتایج مطالعه نشان داد که اکثریت (14 نفر) کشاورزان مورد مطالعه دارای مدرک تحصیلی دیپلم بودند. علاوه بر این، نتایج مصاحبه نشان داد که مردان به عنوان مدیر مزارع ارگانیک ایفای نقش می‌کنند و اکثر نیروی کار مزارع ارگانیک به دلیل ریزه‌کاری و حجم سبک کارها را زنان روستایی تشکیل می‌دهند.

نتایج حاصل از جلسات بحث گروهی متمرکز با کشاورزان ارگانیک‌کار مورد مطالعه نشان داد که آنها برای اولین و دومین بار به صورت آزمایشی اقدام به کشت محصولات ارگانیک نمودند و بیشتر آنها علاقه و تمایلی برای کشت مجدد محصولات ارگانیک در سال‌های آینده نداشتند که پس از مصاحبه با آنان در قالب گروه‌های بحث متمرکز در زمینه موانع و مشکلاتی که آنان در کشت محصولات ارگانیک با آنها مواجه بودند و منجر به عدم علاقه و تمایل به کشت مجدد محصولات ارگانیک در آنها شده است، موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک را از دیدگاه آنان در شش عامل کلی به شرح زیر دسته‌بندی گردید:

- مسائل زیرساختی: در این عامل از دیدگاه کشاورزان مورد مطالعه مواردی مانند؛ نبود یا محدودیت بازار مناسب برای محصولات ارگانیک، عدم وجود نهاد یا سازمانی که ارگانیک بودن محصولات ارگانیک تولید شده را تأیید کند، نبود مکان مناسب برای ذخیره و نگهداری این نوع محصولات، نبود وسایل مورد نیاز و کافی برای حمل نقل و فروش محصولات تولید شده در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بازارهای بزرگتر، در دسترس و کافی نبودن نهاده‌های مورد نیاز برای تولید محصولات ارگانیک و ... قرار دارد. در این زمینه نتایج تحقیقات، مایکلسون و همکاران (2004)، نشان داد که مواردی مانند؛ نبود بازار ارگانیک، سیاست کشاورزی مناسب و زمینه‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان مانع بزرگی در راه توسعه کشاورزی ارگانیک در بین کشاورزان باشد. پارالوپز (2005)، علت دوری کردن از کشاورزی ارگانیک را به طور عمده به عوامل زیرساختی و اقتصادی نسبت داد. همچنین، نتایج تحقیقات خالدی و همکاران (2007)، نیمبرو و لمبارد (2003)، خالدی و امجدی (1390)، هاشمی‌نژاد و رضوانفر (1389) و شریفی و همکاران (1388)، که اهمیت مسائل زیرساختی در توسعه فناوری‌های نوین کشاورزی از جمله کشاورزی ارگانیک را مورد تأیید قرار داده‌اند از این یافته حمایت می‌کنند.

- مسائل اقتصادی: در زمینه مسائل اقتصادی نتایج حاصل از جلسات بحث گروهی متمرکز با کشاورزان مورد مطالعه نشان داد که مواردی مانند؛ کاهش تولید و درآمد با کشت محصولات ارگانیک، نبود سرمایه لازم برای کشت ارگانیک، عدم علاقه مردم منطقه به مصرف محصولات ارگانیک و پرداخت نکردن هزینه بیش‌تر برای خرید این محصولات، خریداری محصولات ارگانیک توسط دلالان به قیمت پایین‌تر و ... بود. با توجه به اینکه افزایش درآمد و سود یکی از موارد مهم در پذیرش فن‌آوری‌های نوین در کشاورزان می‌باشد و همچنین، با توجه به اینکه اکثر کشاورزان مورد مطالعه در این پژوهش از نظر اقتصادی در وضعیت ضعیف و متوسطی هستند، این عامل می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک در بین کشاورزان مورد مطالعه باشد. نتایج تحقیقات محققانی مانند؛ پارالوپز (2005)، فایرویدر (1999)، میدمور (2001)، پادل (2001) و خالدی و امجدی (1390)، با این یافته همسو می‌باشد.

- ضعف اطلاعات و دانش کشاورزان: نتایج تحقیق حاکی از آن است که در این عامل مواردی مانند؛ ضعف اطلاعات و آگاهی کشاورزان نسبت به کشاورزی ارگانیک، سطح تحصیلات پایین کشاورزان و کم سوادی آن‌ها، نداشتن آگاهی از چگونگی کشت و نگهداری از محصولات ارگانیک و ... قرار داشت. با توجه به اینکه اهمیت دانش و اطلاعات در پذیریش و توسعه یک تکنولوژی یا فناوری جدید بارز است، کمبود اطلاعات و دانش به عنوان یک محدودیت و مانع بزرگی در راه توسعه کشاورزی ارگانیک است که در مطالعات زیادی نیز به آن اشاره شده است. در این راستا، پدل و لامپ‌کین (1994)، نشان دادند که فقدان آموزش‌های رسمی و غیررسمی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

یکی از موانع عمده در توسعه کشاورزی ارگانیک است. واینن (2004)، خاطر نشان کرد که در ارتباط با تصمیم کشاورزان برای پذیرش کشاورزی ارگانیک بسیار مهم است که کشاورزان درباره کشاورزی ارگانیک به خوبی اطلاع و دانش داشته باشند. همچنین، نتایج تحقیقات؛ لکاس و کامن (2008)، خالدی (2007)، فایرویدر (1999)، میدمور (2001)، خالدی و امجدی (1390) و مرادی و همکاران (1390)، نیز به ضرورت دانش و اطلاعات برای توسعه فناوری‌های نوین (از جمله کشاورزی ارگانیک) در بین کشاورزی تأکید کرده‌اند و یافته اخیر پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند.

- مسائل فنی و مدیریتی: نتایج حاصل از نظرسنجی و بحث و گفتگو با کشاورزان مورد مطالعه نشان داد که در این عامل مواردی مانند؛ مشکلات کنترل علف‌های هرز، بیماری‌ها و آفات در بین کشاورزان ارگانیک‌کار، نداشتن مهارت و دانش فنی برای تولید محصولات ارگانیک، در دسترس نبودن زمین‌های حاصل‌خیز و مناسب برای کشت محصولات ارگانیک در منطقه مورد مطالعه، نداشتن اطلاع از زمان کشت و شرایط آب و هوایی مناسب و مورد نیاز برای کشت محصولات ارگانیک، ندانستن فنون و روش‌های کشت محصولات ارگانیک، نیاز به مدیریت و نگهداری بیشتر و مناسب‌تر نسبت به کشاورزی متداول، کمبود نیروی کار ماهر در این زمینه و ... جای داشت. دی‌بوک و همکاران (2001) و شنیبرگر و همکاران (2002)، در مطالعات خود چالش‌های فنی و نیاز به نیروی کار مهار و اضافی، مسائل مرتبط با علف‌های هرز، حاصل‌خیزی خاک و ریسک بالاتر مربوط به تغییرات عملکرد به عنوان دلایل اصلی عدم توسعه کشاورزی ارگانیک عنوان کردند. کروسن و استراو (1990)، اظهار کردند باتوجه به اینکه تولیدکنندگان ارگانیک نیاز به دانش فنی و اساسی در خصوص روابط پیچیده اکولوژیکی و تجربیات زارعی برای تولید محصولات بدون کاربرد علف‌کش‌ها و کودهای شیمیایی دارند، کشاورزان ارگانیک‌کار نیازمند مهارت‌های فنی و مدیریتی بیشتری هستند. خالدی (2007)، نیز فقدان دانش و مهارت در مدیریت کردن مزرعه ارگانیک را عامل عدم پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک توسط کشاورزان می‌داند. علاوه بر این‌ها، نتایج تحقیقات، استرت و همکاران (2005) و خالدی و امجدی (1390)، نیز بر وجود مهارت‌های فنی، تکنولوژیکی و مدیریتی در توسعه کشاورزی ارگانیک در بین کشاورزان تأکید کرده‌اند و از این یافته حمایت می‌کنند.

- مسائل حمایتی: نتایج تحقیق حاکی از آن است که در این عامل مواردی مانند: حمایت نکردن دولت از کشت محصولات ارگانیک، نبود مروجان و کارشناسان با تجربه و آشنا به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کشاورزی ارگانیک جهت آموزش کشاورزان، دایر و برگزار نشدن کلاس‌های آموزشی- ترویجی در زمینه مسائل مرتبط با کشاورزی ارگانیک، ارائه نکردن خدمات مناسب و مورد نیاز توسط شرکت خدمات فنی و مشاوره‌ای کشاورزی و سازمان‌های حمایتی در زمینه کشاورزی ارگانیک و ... بود. در این رابطه پارالوپز (2005)، در مطالعه خود نشان داد که حمایت از کشاورزان به عنوان عاملی مهم در پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک به شمار می‌رود. همچنین، نتایج مطالعات خالدی و امجدی (1390)، مرادی و همکاران (1390) و هاشمی‌نژاد و رضوانفر (1389)، نیز از عدم حمایت از کشاورزان به عنوان مانعی در جهت توسعه کشاورزی ارگانیک نام برده‌اند و این یافته را تأیید می‌کنند.

- موانع انگیزشی و نگرشی: در این زمینه نتایج حاصل از جلسات بحث گروهی متمرکز نشان داد که مواردی مانند: عدم علاقه و تمایل کشاورزان به کشت محصولات ارگانیک، عادت کردن کشاورزان به مصرف مواد شیمیایی در کشاورزی، افزایش تولید و درآمد کشاورزان با مصرف مواد شیمیایی در کشاورزی متداول به گفته آنان، اظهار به ناتوانی و نداشتن مهارت در مدیریت کشت ارگانیک توسط کشاورزان و ... جای دارد که ما آنها را به عنوان مانع انگیزشی و نگرشی کشاورزان در زمینه توسعه کشاورزی ارگانیک نام‌گذاری کردیم. این عامل (مانع انگیزشی و نگرشی) خود می‌تواند ناشی از عوامل قبلی باشد، یعنی با وجود مسائل و مشکلات در زمینه کشاورزی ارگانیک کشاورزان به کشت محصولات ارگانیک علاقه نشان نمی‌دهند و نگرش آنان نسبت به کشاورزی ارگانیک منفی می‌شود. بنابراین، می‌توان با آموزش و برطرف کردن مسائل و مشکلات پیشین در زمینه کشاورزی ارگانیک، در کشاورزان نگرش و علایق مثبت در جهت کشت محصولات ارگانیک ایجاد کرد. برتن و همکاران (2002)، بیان کردند که نگرش به محیط و شبکه‌های اطلاعاتی به خوبی تأثیر اصولی بر روی پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک توسط کشاورزان تولیدکننده محصولات ارگانیک دارد. دی‌باک و همکاران (2001)، نیز جنبه‌های جامعه‌شناسی پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک مثل رفتار پذیرش، انگیزه کشاورزان ارگانیک و ویژگی‌های مزرعه و ویژگی‌های شخصی کشاورزان در پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک مؤثر دانستند. همچنین، محققانی مانند؛ فایرویدر (1999)، میدمور (2001) و هاشمی‌نژاد و رضوانفر (1389)، نیز در تحقیقات خود بر نقش انگیزه و نگرش کشاورزان در پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک تأکید کرده‌اند و از این یافته حمایت می‌کنند.

در پایان خلاصه نتایج پژوهش حاضر را به صورت شماتیک در نگاره 1 درج شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نگاره 1) موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک

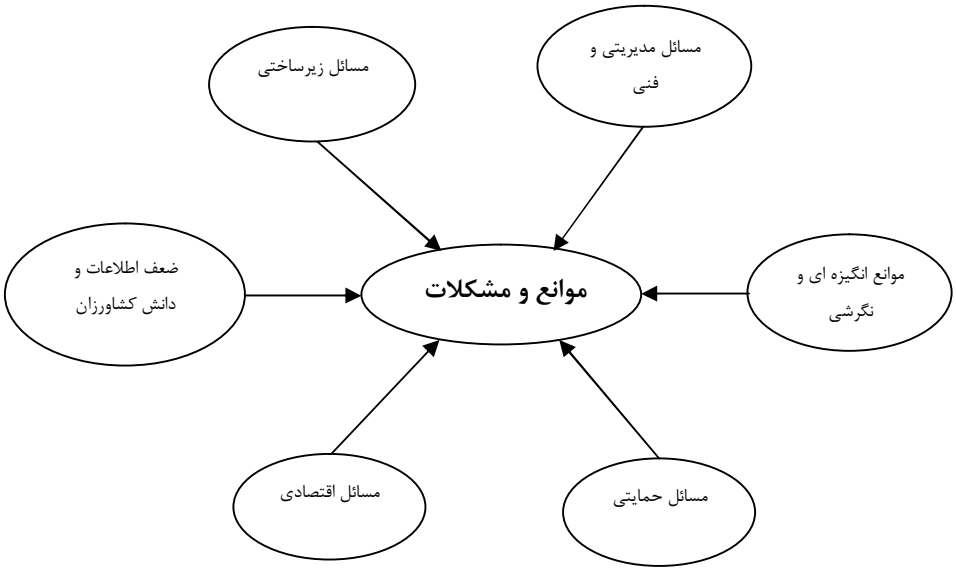

4) نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به روش کیفی با هدف بررسی موانع و مشکلات توسعه نظام کشاورزی ارگانیک از دیدگاه ارگانیک‌کاران شهرستان دره‌شهر (استان ایلام) طراحی و اجرا گردید. مهم‌ترین نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل شد این بود که موانع و مشکلات توسعه کشت محصولات ارگانیک از دیدگاه کشاورزان ارگانیک‌کار مورد مطالعه در 6 طبقه (عامل) کلی دسته‌بندی گردیدند که عبارتند از: 1- مسائل زیرساختی، 2- مسائل اقتصادی، 3- ضعف دانش و آگاهی کشاورزان، 4- مسائل فنی و مدیریتی، 5- مسائل حمایتی و 6- موانع انگیزشی و نگرشی.

بر این اساس، باتوجه با اهمیت و فواید توسعه کشاورزی ارگانیک در جهت تولید محصولات سالم و ترویج و توسعه این نوع نظام کشت بر مبنای نتایج حاصل از بحث گروهی متمرکز و مصاحبه به عمل آمده با کشاورزان ارگانیک‌کار مورد مطالعه، چند راهکار کلی در جهت توسعه کشاورزی ارگانیک ارائه می‌گردد که عبارتند از:

1- برنامه‌ریزان بخش کشاورزی باید با ارائه راهکارهایی در زمینه تسهیل امر صادرات محصولات کشاورزی ارگانیک، حمایت از کشاورزان پیشرو در کشت ارگانیک، اطلاع‌رسانی و انجام فعالیت‌های ترویجی برای استفاده از ظرفیت‌های موجود در کشور، جهت‌دهی تحقیقات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کشاورزی از مصرف کودهای شیمیایی بـه مصـرف کودهـای آلـی و بیولوژیـک، توجـه ویـژه بـه کشاورزی ارگانیک در تدوین برنامه‌های راهبـردی تحقیقـات کشـاورزی و نظـام قیمـت‌گـذاری مناسب و مجزا برای محصولات ارگانیک، زمینه را برای توسـعه و اعـتلای ایـن نظـام کشـاورزی پایدار را فراهم نمایند.

2- ارائه دوره‌های آموزشی- ترویجی در زمینه کشاورزی ارگانیک برای کشاورزان و تشویق آنـان به شرکت در این کلاس‌هـا و همچنـین، آمـوزش مـروجین کشـاورزی بـرای اشـاعه کشـاورزی ارگانیک و نیز به ترویج کشاورزی ارگانیک از طریق رسانه‌های جمعی مثـل رادیـو و تلویزیـون و سایر کانال‌های ارتباطی و منابع اطلاعاتی جهت ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان محصولات ارگانیک پرداخته شود.

3- نتایج حاصل ازپژوهش نشان دادکه بیشتر کشاورزان مورد مطالعـه ازنظرتحصـیلات درسـطح دیپلم می‌باشند و ازسواد لازم برای استفاده ازمنـابع نوشـتاری برخوردارنـد، بنـابراین، از طریـق استفاده مناسب از این منابع می‌توان آگاهی و دانش آنها را در خصوص کشت ارگانیـک افـزایش داده و یکی از مهم‌ترین موانع و مشکلات آنها که همانا ضعف و کمبود دانش می‌باشـد را مرتفـع نمود.

4- دولت و سازمان‌های دولتی با حمایت از کشاورزان ارگانیک‌کار، بیمه محصولات آنـان، ایجـاد و توسعه بازارهای محلی محصولات ارگانیک و بررسـی اقتصـادی و شناسـایی بازارهـای جهـانی برای صادرات محصولات ارگانیک، ایجاد محل‌هایی برای ذخیره و نگهداری محصولات ارگانیـک و در اختیار گذاشتن وسایل حمل و نقل کافی و مجهز به سردخانه بـرای ایـن نـوع محصـولات، انگیزه و نگرش کشاورزان را نسبت به کشت محصولات ارگانیک تقویت و بهبود بخشند.

5- ارائه اطلاعـات مفیـد و سـودمند در خصـوص مـدیریت و کنتـرل علـف‌هـای هـرز، آفـات و بیماری‌های محصولات کشاورزی، همچنین، ارائه اطلاعات در خصوص وضعیت آب و هـوا بـرای کشاورزان در قالب پیامک‌های کوتاه از طریق تلفن‌های همراه کشاورزان برای آنها از سوی جهاد کشاورزی و سایر سازمان‌های تحقیقاتی مرتبط با کشاورزی نیـز مـی‌توانـد بـه عنـوان پیشـنهاد ارزنده‌ای مد نظر قرار گیرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

5) منابع

- اسدی، ع. و ک. نادری مهدیی، (1388)، **کشاورزی پایدار**، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران.
- چقماقی یزدی، م و ع. مرادی عهدیه، (1386)،**کشاورزی ارگانیک، راه نجات بشر**. موجود در سایت: http//plantdiseaes.blogfa.com/cat-91.aspx
- خالدی، م. و ا. امجدی، (1390)، **بررسی انگیزه‌ها و موانع تبدیل به کشاورزی ارگانیک: درس‌هایی از تجربه سایر کشورها**، مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، 15 و 16 تیرماه.
- شعبانعلی فمی، ح.، ج. قاسمی، و م. محمدزاده نصرآبادی، (1387)، **نظام‌های کشاورزی پایدار (مروری بر رویکردهای غالب)**، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران.
- عبداللهی، س.، (1387)، **بررسی چشم‌انداز توسعه کشاورزی ارگانیک**، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، 51.
- کیانی، غ. و ه. لیاقتی، (1386)، **تحلیل شرایط اقتصادی تبدیل کشاورزی رایج به کشاورزی ارگانیک با استفاده از مدل برنامه‌ریزی خطی پویا**، مجموعه مقالات دومین همایش ملی کشاورزی بوم‌شناختی، ایران: گرگان، صص 2737- 2727.
- کوچکی، ع.، ع. غلامی و ل. مهدوی دامغانی، (1384)، **اصول کشاورزی زیستی**، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مافی، ح.، (1387)، **کشاورزی ارگانیک (مبانی پایداری در کشاورزی)**، موجود در: http://www.crop.blogeky.com
- محمدی، م.، (1386)، **کشاورزی ارگانیک**، ناظرین کشاورزی آذربایجان شرقی، موجود در: http://ea–nazer.blogfa.com
- میردامادی،م. و ه. خادمی، (1382)، **کشاورزی ارگانیک، شناخت و راهکارهای کاربرد آن**، مجله جهاد، شماره 261، ص 82 .
- مرادی، ژ.، ح. حیدری، م. عزیزی، و ا. یعقوبی، (1390)، **تحلیل جایگاه کشاورزی ارگانیک به عنوان بستر توسعه پایدار کشاورزی از دیدگاه کشاورزان (مطالعه موردی شهرستان‌های دیواندره و قروه)**،مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، 15 و 16 تیرماه.
- 12-مظاهری، د.، (1377)، **زراعت مخلوط**،چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- 13- نصر اصفهانی، ا. و س. میرفندرسکی، (1384)، **بررسی وضعیت کشاورزی ارگانیک در ایران و جهان**، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- 14- هاشمی‌نژاد، آ. و ا. رضوانفر، (1389)، **بررسی موانع و مشکلات کشاورزی ارگانیک از دیدگاه تولیدکنندگان محصولات ارگانیک شهرستان روانسر استان کرمانشاه**، مجموعه مقالات شفاهی اولین کنگره چالش‌های کود در ایران: نیم قرن مصرف کود، 10 و 12 اسفند ماه.
- Burton, M., D. Rigby, and T. Young, (2002), **Modeling the adoption of organic horticultural technology in the UK using Duration Analysis**, The Australian Journal of Agricultural and Resource Economics, Vo 47, N 1, Pp. 29- 54.
- Crosson, P. and J. E. Ostrov, (1990), **Sorting out the environmental benefits of organic agriculture**, Journal of Soil And Water Conservation, January/February, pp. 34- 41.
- Dabbert, S. A., M. Haring and R. Zanoli, (2004), **Organic Farming: policies and prospects**, Zed Books.
- Dawson, C., (2002), **Particle research method A user-friendly guide to mastering research techniques and projects**.
- De Buck, A. J., I. V. Rijn, N. G. Roling and A. A., Wossink, (2001), **Farmers reasons for changing or not changing to more sustainable practices: an exploratory study of arable farmers in the Netherlands**, The Journal for agricultural Extension and Education 7 (3), 153- 166.
- Fairweather, J. R., (1999), **Understanding how farmers choose between organic and conventional production: results from New Zealand and policy implications**, Agriculture and Human Values 1651- 63.
- Finch, H and J. lewis, (2003), **Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers**, SAGE Publications.
- Hatirli, S. A., B. Ozkan, and K. Fert, (2005), **An econometric analysis of energy input/output in Turkish agriculture**,Renewable and Sustainable Energy Reviews, Vol. 9, 608-623.
- Henning, J., L. Baker, and P.Thomassin, (1991), **Economic issues in organic agriculture**, Canadian Journal of Agricultural Economics 39, Pp. 877- 889.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Khaledi, M, R. Gray, S. Weseen, and E. Sawyer, (2007), **Assessing the Barriers to Conversion to Organic Farming: An Institutional Analysis**, Department of Agricultural Economics University of Saskatchewan.
- Lukas, M. and M. Cahn, (2008), **Organic agriculture and rural livelihoods in Karnataka, India**, 16th IFOAM Organic World Congress, Modena, Italy, At http://organits.org/view/projects/conference.html
- Midmore, P. S., H. Padel, N. Mccalman, H. Lampkin, S. Fowler, and J. Isherwood, (2001), **Attitude to organic Production: a survey of producers**, Unpulished final report to MAFF, Institute of Rural Studies, University of Wales, Aberystwyth, Aberystwyth.
- Moschitzl, H, M. Stolzel, and J. Michelsen, (2004), **Development of political institutions involved in policy elaboration in organic farming for selected European states**, Research report.
- Niemeyer, K. and J. Lombard, (2003), **Identifying Problems and Potential of the Conversion to Organic Farming in South Africa**, Paper Presented at the 41st Annual Conference of the Agricultural Economic Association of South Africa (AEASA), October 2-3, Pretoria, South Africa.
- Padel, S and N. Lampkin, (1994), **Conversion to Organic Farming: An Overview. In The Economics of Organic Farming: An International Perspective**, Wallingford, CAB International: 295- 313.
- Padel, S., (2001), **Conversion to organic farming: a typical of the diffusion of an innovation**, Sociologia ruralis 41 (1) 40- 62.
- Parra Lopez, C. and J. Calatrava Requena, (2005), **Factors related to the adoption of organic farming in spanish olive orchards**, Spanish Journal of Agricultural Research 3 (1), 5- 16.
- Salazar, R. C., (2005), **Social and institutional opportunities and constraints of organic agriculture in the Philippines**, Stuttgat-Hohenheim, October 11-13.
- Sharifi, O., S. Sadati, F. Rostami, A. Sadati, Y. Mohamadi, and P. Tolou Del, (2010), **Barriers to conversion to organic farming: A case study in Babol County in Iran**, African Journal of Agricultural Research. Vol. 5(16): 2260-2267.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Shiming, M. & J. Sauerborn, (2006), **Review of history and recent development of organic farming worldwide**, Agricultural Sciences in China, 5: 169- 178.
- Shneeberger, W., I. Darnhofer, and E. Michael, (2002), **Barriers to the Adoption of organic farming by cash-crop producers in Autria**, American Journal of Alternative Agriculture, Vol 17, N.
- Sterrett, S., G. E. Groover, D. B. Taylor, and K. Mundy, (2005), **Describing Organic Agriculture Production in Virginia Results of the 2004 Farm Survey Virginia's Rural Economic Analysis Program**, Department of Agricultural and Applied Economics, College of Agriculture and Life Sciences, Virginia Tech.
- Waltz, E., (1999), **Final results of the Third National Organic Farmer's Survey**, Organic Farming Research Foundation. 126pp.
- Wynen, E., (2004), **Conversion to organic Grain Farming in Australia**, Eco Land use Systems, Canberra, ACT, 2615.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]